

فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین

(نشریه علمی)

دوره جدید - سال ششم - شماره سوم - پاییز ۱۳۹۹ - شماره پیوسته ۲۹

نگاهی به بومی سروده‌های لرستان

(ص ۵۱-۷۱)

آرش امرایی (نویسنده مسئول)،^۱ علی بازوند^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۱۶

نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

ادبیات بومی، گنجینه شایسته‌ای است که از گذشتگان برای ما به ارث مانده است. این نوع ادبیات به معنای خاص خود به ادبیاتی گفته می‌شود که در منطقه‌ای خاص به وجود آمده باشد. ادبیات بومی لرستان یکی از بخش‌های ارزشمند ادبیات بومی اقوام ایرانی است. در این مقاله به بررسی بخشی از فرهنگ عامه مردم لرستان با عنوان «بومی سروده‌ها» می‌پردازیم و ضمن معرفی تاریخچه این سروده‌های بومی، جایگاه آن‌ها را در بین مردم لرستان بررسی می‌کنیم. همچنین ضمن معرفی انواع ادب محلی مردم لرستان، به معرفی چهل‌سرو (چهل سرود)، مور، لاهه لاهه (لالایی)، کارآواها، بیت مشگه، دایم بوی و عاشقانه‌ها به عنوان مهم‌ترین انواع بومی سروده‌های لرستان خواهیم پرداخت. با بررسی و معرفی بومی سروده‌های این مردم، این نتیجه حاصل شد که شعر و موسیقی، بخش جدایی‌ناپذیر زندگی مردم لرستان است و اگر بگوییم جان‌مایه فرهنگ عامه لرستان است سخنی گزاف نخواهد بود. مردم لر زبان برای همه جوانب زندگی خود از هنگام تولد تا لحظه مرگ، اشعار و موسیقی‌هایی دارند که در شرایط مختلف، کارکردهای متفاوتی دارند و با بهره‌گیری از این سروده‌ها، بخش‌های مختلف زندگی خود را لذت‌بخش و خاطره‌انگیز می‌کنند.

کلمات کلیدی: لرستان، بومی سروده، چهل‌سرو، لاهه لاهه

^۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر، ایران.

Email: amiri879 @gmail.com

^۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه فرهنگیان، ایران.

Email: bazvanda@yahoo.com

۱. مقدمه

از آنجا که ادبیات هر جامعه‌ای مبنی‌زمینه‌های مختلف و از آن جمله زمینه‌های هویتی آن جامعه است، بررسی ادبیات بومی و محلی به منظور پی‌بردن به ساختار شخصیتی آن جامعه اهمیت فراوان دارد. از گونه‌های مختلف شعر و نثر در میان آثار ادبی، ارزش‌ها، پسندها و ناپسندها، شیوه زندگی و جهان‌بینی صاحبان آثار را در خود منعکس می‌نماید. دامنه شمول این آثار نیز تابع شمول زبانی است؛ به بیان دیگر، ادبیات هر جامعه، دربرگیرنده مسائل مختلف حوزه نفوذ آن زبان است که گاه به یک قوم، محدود می‌شود. از این رو این مردم با بهره‌بردن از کلمات و عبارات محلی، نیت، اهداف و خواست‌های خود را در ادبیات خود منعکس می‌نمایند. باید در نظر داشت که جوامع محلی ضمن پیوند با هویت و ادبیات ملی خود، ادبیات خاص خود نیز دارند. این ادبیات (ادبیات محلی) در حقیقت نتیجه تجربیات و ارتباطات بین مردم آن قوم با یکدیگر، با اقوام و مناطق دیگر، با طبیعت و محیط زندگی آن‌هاست. با بررسی این ادبیات، می‌توان دریافت این مردم از ابتدای حیات خود تا امروز چه چالش‌هایی را از سر گذرانده‌اند و در هر برهه‌ای از تاریخ خود چه جایگاهی داشته‌اند. در حقیقت با کمک ادبیات هر قوم، می‌توان مسیر حرکتی آن مردم را در طول حیاتشان دریافت. همچنین بررسی و شناخت ادبیات محلی می‌تواند ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی آن مردم را برای ما نمایان سازد و این گونه به ساختار فرهنگی آنان نیز دست‌یافت.

به مجموعه‌ای از اشعار، داستان‌ها، متل‌ها، چیستان‌ها، ترانه‌ها، آداب و عادات اجتماعی مردمی که در منطقه‌ای خاص زندگی می‌کنند، ادبیات بومی آن منطقه گفته می‌شود. ادبیات بومی به طور کلی ویژگی‌هایی دارد که مهم‌ترین این ویژگی‌ها عبارتند از: «اشتراک اقلیمی، مشابه بودن اوضاع زراعی و معیشتی، وحدت گویش محلی و داشتن ترانه‌ها و اصطلاحات مشترک، وحدت تاریخ و زبان، همسانی ویژگی‌های انسانی» (دستغیب، ۱۳۸۰: ۱۵). ادبیات بومی هر منطقه از همه این ویژگی‌ها برخوردار است و به نوعی می‌توان گفت آینه تمام‌نمای زندگی مردم خود است. به دلیل حضور فعال لغات و اصطلاحات بومی، مکان‌های جغرافیایی مربوط به آن اقلیم، آداب و عادات هر قوم در ادبیات خود، درک کامل نمودهای مختلف این ادبیات، برای افرادی دیگر دشوار است؛ از این رو درک و بهره‌بردن از این ادبیات، مستلزم آشنایی با زمینه‌های فرهنگی هر گویش و همچنین واحدهای مختلف زبرنجیری گفتار است.

از آغازین روزهای زندگی بشر، اشعار و عبارات آهنگینی که گاه زیر لب زمزمه شده است، با زندگی انسان همراه شده است. هرچه بر عمر انسان افزوده شده است، شرایط، نوع و کیفیت این اشعار و عبارات آهنگین تغییر کرده است. این اشعار که بیان‌کننده عشق، غم، اندوه و به طور کلی احساسات این افراد بوده، در سراسر زندگی جای خود را باز کرده است. علاوه بر احساسات و

عواطف، می‌توان بسیاری از افکار، اندیشه‌ها، آداب و رسوم صاحبان این سروده‌ها را در خلال آن‌ها یافت و به لایه‌های پنهان زندگی جوامع مختلف دست یافت؛ از این جهت است که بررسی، پژوهش و یافتن گونه‌های مختلف این بومی سروده‌ها ضروری است و با کاوش‌های علمی در جنبه‌های مختلف این سروده‌هاست که می‌توان به زندگی صاحبان آن‌ها دریچه‌ای گشود و از رمز و راز بسیاری از آن‌ها آگاه شد. گستردگی بومی سروده‌ها و انواع مختلف آن و همچنین نبود منبع مدون برای این سروده‌ها، پرداختن به همه آن‌ها را دشوار می‌سازد، از این روی ما در این مقاله می‌کوشیم تا آنجا که مقدور است و در حوصله یک مقاله می‌گنجد، بخشی از این سروده‌ها را که در بین مردم لرستان رایج است بررسی کنیم.

بومی سروده‌های لرستان همانند دیگر سروده‌های بومی مردم ایران بیش از هر چیزی تصویرگر زندگی، محیط و مردم آن دیار است؛ همین موضوع، یکی از مهم‌ترین دلایل ماندگاری و انتقال آن از نسلی به نسل دیگر شده است. «شعر بومی شعری نیست که رویکردی جدید در آن صورت گرفته باشد چون زبان عامیانه و محلی مبنای پرداخت آن است، به سادگی اتفاق نمی‌افتد چراکه این ترانه‌ها چون آبی زلال، در بستر زمان جاری‌اند و ترانه محلی بر ارکانی استوار است که یکباره ساخته نمی‌شود و تغییر موضع فرهنگی جامعه به آسانی در آن موثر نمی‌افتد» (همایونی، ۱۳۷۶: ۴۲). در این سروده‌ها احساسات و عواطف لطیف و شیرینی جاری است که در عمق زندگی مردم جاری است. عناصر اقلیمی، حوادث تاریخی و قهرمانان، آداب و اعتقادات و آلات و اسباب کار و زندگی از فعال‌ترین عناصر موجود در سروده‌های بومی است. بنابر آنچه در مورد سروده‌های بومی گفته شد، می‌توان به روشنی این ادعا را مطرح کرد که این سروده‌های منبعی شایسته، مورد اعتماد و پر بها برای محققان مردم‌شناسی است.

این سروده‌ها از درازنای تاریخ باقی مانده‌اند و زندگی سالیان دور این مردم را حکایت می‌کنند؛ بر اساس این، ناشناس بودن سراینده این اشعار، یکی از ویژگی‌های عمومی آن‌هاست. این اشعار همچنین به صورت شفاهی از قرن‌ها پیش تا امروز نسل به نسل و سینه به سینه منتقل و حفظ شده‌اند؛ سرایندگان این سروده‌ها بخشی از توده مردم بوده‌اند که بدون کم‌ترین اطلاع از اصول و قواعد و قالب‌های شعری این اشعار را سروده‌اند. از آنجا که بخش قابل توجهی از این سروده‌ها ثبت نشده است، امکان تغییر، تحریف و یا از میان رفتن آن‌ها فراوان است، از این رو ثبت و ضبط این سروده‌ها به عنوان بخشی از ادبیات شفاهی مردم لرستان امری ضروری است.

۲. پیشینه تحقیق

با آنکه ادبیات عامه مردم لرستان مملو از نکات و موضوعات شایسته تحقیق است، اما تقریباً تحقیق علمی چشمگیری در ادبیات عامه لرستان انجام نشده است. بخشی از کارهایی که در مورد ادبیات عامه لرستان انجام شده است عبارتند از: ادبیات شفاهی قوم لر نوشته علیمردان عسگری عالم (۱۳۸۸)، سوگ‌سرایی و سوگ‌خوانی در لرستان نوشته سید سیامک موسوی (۱۳۸۰)، فرهنگ مردم لرستان نوشته سعید شادابی (۱۳۷۷)، فرهنگ قوم لر نوشته عزت‌الله چنگایی (۱۳۷۴)، فرهنگ عامه لرستان نوشته علی مردان عسگری عالم (۱۳۸۶)، فهلویات یا تکبیت‌های کهن سور و سوگ به زبان لکی نوشته علیمردان عسگری عالم (۱۳۸۲)، سروده‌های ماندگار نوشته جهان‌شاه آزادبخت (۱۳۸۷)، مردم‌شناسی ادبیات لکی نوشته کرم دوستی (۱۳۹۲). همچنین مقالات زیر نیز در حوزه ادبیات عامه لرستان منتشر شده است:

- «جایگاه پوشش سنتی لک‌زبانان لرستان در تکبیت‌های آنان» از محمد حسین خان محمدی و اکرم دولتی آسیاب، مجله فرهنگ و ادبیات عامه (۱۳۹۵).
- «تداوم سنتی کهن در میان اقوام ایرانی» نوشته زهره حق‌شناس، مجله فرهنگ (۱۳۸۳).
- «چهل سرو، سرود نوشت» نوشته علی زیودار، مجله شعر (۱۳۷۶).
- «تحلیل زیبایی شناختی چل سروها» نوشته معصومه ارشد و همکاران، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه (۱۳۹۸).

۳. قوم لر و جایگاه جغرافیایی آن

یکی از اقوام کهن ایرانی قوم لر است. این قوم در کشاکش تاریخ و به دلایلی به دو گروه لر بزرگ و لر کوچک تقسیم شده است. «سکونت‌گاهشان از هزاران سال قبل مسکون بوده و ورود ایرانیان به این مناطق را ۷۰۰-۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح می‌دانند. از سوی دیگر مطابق نظریه کارشناسان، گویش لری نیز مشتق از زبان پارسی باستان است و قرابت بسیاری با زبان فارسی دارد. واژه «لر» نامی است که برای اولین بار در قرن چهارم هجری بر ساکنان زاگرس میانی گذاشته شده است. بر این اساس پی می‌بریم که از قرن چهارم به این سو مردمی به صورت یک قوم به نام لر با هویتی تازه بر اساس دو عنصر زبان و نامشان در این منطقه ظاهر شده‌اند» (یوسفی ۱۳۸۹: ۴۶).

لرها مناطق وسیعی از ایران را در بر گرفته‌اند. اینان در جنوب غرب و جنوب ایران در استان‌های لرستان، خوزستان، چهارمحال و بختیاری، کهگیلویه و بویراحمد، همدان، کرمانشاه، ایلام، بوشهر، فارس، اصفهان زندگی می‌کنند. هرچند در مناطق دیگری از ایران نیز گروه‌هایی از لرها زندگی می‌کنند اما مهم‌ترین زیستگاه این قوم، استان‌های مذکور است.

همان گونه که می‌دانیم، مردم لرستان و لرهای استان‌های نزدیک استان لرستان همچون ایلام، کرمانشاه و همدان جزء گروه لر کوچک هستند و لرهای بختیاری و دیگر گروه‌های نزدیک به آنان را لر بزرگ می‌خوانند. این مقاله به بررسی سروده‌های بومی مردم لر کوچک اختصاص دارد.

۴. بومی سروده

بومی سروده‌ها اشعاری هستند که آن‌ها را شاعران محلی به گویش‌های مناطق مختلف سروده‌اند و در بین مردم آن سامان مشهور شده و اغلب در مناطق مربوط به خود همه‌گیر می‌شوند. از آنجا که این اشعار را مردم عادی و کم‌سواد و تنها با تکیه بر ذوق خدادادی می‌سرایند، اغلب اصول علمی شعر در آن‌ها رعایت نشده‌است. آنچه موجب پذیرش و استفاده مردم مناطق مختلف از آن‌ها شده است، نزدیکی به فرهنگ و آداب و رسوم و به طور کلی زندگی آن‌هاست؛ از این روی می‌توان گفت مخاطب اصلی این سروده‌ها مناطقی محدود به همان گویش است و شاعران نیز با وارد کردن بخش‌هایی از فرهنگ عامیانه این مردم، سعی در نزدیکی هرچه بیشتر به همان مردم روستایی و عشایری دارند که شعر خود را برای آن‌ها می‌سرایند. قالب این سروده‌ها اغلب دوبیتی و رباعی است اما در قالب‌هایی چون غزل و در مواردی مثنوی نیز سروده شده‌اند.

با آن که اشعار بومی هر منطقه (به دلایل شرایط محیطی و فرهنگی خاص آن منطقه) ویژگی‌هایی خاص خود را دارد که آن را از اشعار بومی دیگر مناطق متمایز می‌کند، اما با بررسی و دقت در آن‌ها می‌توان خصائصی مشترک برای آن‌ها برشمرد که تا حدودی در بین بومی سروده‌های مناطق مختلف مشترک هستند. از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- حضور احساسی صمیمی و دوستانه که برخاسته از روح ساده و بی‌آلایش آفرینندگان و مخاطبان این نوع از شعر است.
- سادگی زبان و عدم استفاده از واژه‌های دشوار و آرایه‌های پیچیده که این نیز به دلیل پایین بودن سطح سواد آفرینندگان و به ویژه مخاطبان آن است.
- لغزش‌های وزنی که تقریباً در اغلب بومی سروده‌ها مشهود است. گاه شاعران این اشعار، برای ترمیم وزن شعر، مرتکب لغزش‌های زبانی نیز شده‌اند و برخی واژه‌ها را بنا به خواست و نیاز خود تغییر داده‌اند.
- از آنجا که اغلب کارها و امور زندگی مردم روستایی با همیاری صورت می‌گیرد، حضور روح جمعی و همیاری در این نوع سروده‌ها مشهود است.
- روح تحرک، پویایی، کار، جنبش و روحیه غلبه بر دشواری‌ها در این سروده‌ها به روشنی قابل درک و دریافت است.

- سرایندگان اغلب بومی سروده‌ها نامشخص و گمنام هستند.
- آموزش بومی سروده‌ها از نسلی به نسل دیگر به صورت ناخودآگاه است؛ یعنی افراد با قرار گرفتن در موقعیتی که این اشعار استفاده می‌شوند، به مرور آن‌ها را به خاطر می‌سپارند.
- حضور در جنبه‌های مختلف زندگی مردم؛ تا جایی که شاید نتوان بخشی از زندگی این مردم را یافت که این سروده‌ها به نوعی در آن حضور نداشته باشند.

۱-۴. تاریخچه بومی سروده‌ها

روشن است که برای بومی سروده‌ها نمی‌توان تاریخ روشن و مدونی برشمرد و نمی‌توان گفت که بومی سروده‌ها دقیقاً از چه زمانی حیات خود را به عنوان بخشی از زندگی مردم آغاز کرده‌اند. اما مسلم است که تاریخ بشر و تاریخ شعر همیشه همراه هم بوده و هیچ‌گاه این دو از هم جدا نبوده‌اند. از زمانی که انسان‌ها به صورت جمعی زندگی می‌کردند و می‌کوشیدند بر مشکلات و دشواری‌های زندگی خود غلبه کنند، «با الهام گرفتن از صداهای طبیعی چون صدای پرندگان، صدای آب، فروغلتیدن سنگ از ارتفاع و... کلماتی را زیر لب زمزمه کرده‌اند و به تدریج آهنگ و موسیقی بهتری یافته و مورد پسند دیگران قرار گرفته است» (ذوالفقاری و احمدی، ۱۳۸۸: ۱۴۷). این گونه است که آغازی برای بومی سروده‌ها می‌توان در نظر گرفت. سرودن این اشعار تنها برای آسان کردن لحظات دشوار زندگی و یا لذت بیشتر از لحظات شاد توسط سراینده، موجب شده تا دیگران نیز از این سروده که شاعر برای خود سروده است، در توصیف حالات روحی خود استفاده کنند و به این طریق موجب گسترش آن در بین جامعه محدود خود شده، ادامه حیات آن سروده‌ها را میسر کرده‌اند.

با بررسی واژه‌های استفاده شده و برخی جنبه‌های مختلف موجود در آن‌ها، می‌توان حدس زد که تاریخچه انواع مختلف بومی سروده با هم تفاوت دارد و هرکدام از انواع این نوع سروده‌ها در زمانی مختلف خلق شده‌اند. روشن است که تاریخ حیات نوعی از این بومی سروده‌ها همچون چیستان‌ها و مثل‌ها با اشعار دیگر تفاوت دارد و انواعی همچون مثل‌ها و چیستان‌ها بی‌گمان جوان‌تر از انواع دیگر هستند. خلاصه سخن آن که برای حیات این اشعار نمی‌توان تاریخ روشن و دقیقی ترسیم کرد اما می‌توان گفت که انواعی از بومی سروده‌ها که حاصل تلاش ذهنی و کوشش‌هایی فکری به همراه ذوق پخته‌تر و واژه‌های صیقل خورده‌تر هستند، محصول روزهای آغازین حیات این نوع ادبی نیستند؛ بلکه اندک‌اندک و پس از کسب توانایی‌های مختلف و یافتن تجربیات و آشنایی با جوامع دیگر است که انواع جدیدی به بومی سروده‌ها افزوده شده است.

۲-۴. جایگاه بومی‌سروده‌ها

بومی‌سروده‌ها تجلی‌گاه جنبه‌های مختلف زندگی آفرینندگان آن‌ها هستند. در واقع می‌توان گفت سراینندگان این نوع از شعر، دلیلی برای سرودن آن داشته‌اند و این اشعار را جهت حل مشکلات زندگی و یا کسب لذات بیشتر در لحظات شاد سروده‌اند. به دلیل تسلط سراینندگان به فرهنگ و آداب و عادات مردم منطقه خود، این اشعار جلوه‌گاه بسیاری از آداب و عادات مردم شده است از این روی می‌توان گفت که بومی‌سروده‌ها منبع شایسته‌ای از شیوه‌های زندگی مردم در زمان‌های مختلف‌اند؛ به زبان دیگر می‌توان با بهره‌بردن از بومی‌سروده‌های مردم یک منطقه و کند و کاو آن‌ها، به بسیاری از زوایای پنهان زندگی آن‌ها دست یافت و این خود بر ارزش و اعتبار بومی‌سروده‌ها افزوده است.

نکته جالب توجه دیگر در مورد ارزش و جایگاه بومی‌سروده‌ها این است که بسیاری از این آثار ساده و مملو از صفا و صمیمت‌اند، هرچند نمی‌توان برای آن‌ها ارزش ادبی و هنری چندی برشمرد، اما برخی محققان این حوزه مدعی هستند بسیاری از هنرمندان و آفرینندگان بزرگ آثار ادبی و هنری از همین آثار ساده و بی‌آلایش الهام گرفته و آثار هنری ارزشمندی را خلق کرده‌اند. «بسیاری از نقاشان، هنرمندان و نویسندگان و حتی بیشتر فلاسفه تحت تأثیر مستقیم این‌ها قرار گرفته‌اند. شعری پرسوز و گیراست که از این ترانه‌ها نیرو و توان یافته باشد و داستانی دل‌انگیز است که با روح این ترانه‌ها درهم آمیخته باشد» (همایونی، ۱۳۷۹: ۳۳)؛ این در حالی است که شاهدهی بر این مدعا ذکر نکرده‌اند.

۵. بومی‌سروده‌ها در لرستان

در لرستان و مناطقی از استان‌های همجوار همچون خوزستان، ایلام، همدان و کرمانشاه مردمانی زندگی می‌کنند که به گویش‌های لری و لکی سخن می‌گویند؛ صرف نظر از تفاوت‌های اندکی که در گویش لری مناطق مختلف وجود دارد، فرهنگ و آداب، رسوم و عادات این مردم تقریباً یکسان است؛ از این روی بومی‌سروده‌ها به عنوان بخشی از فرهنگ آنان تقریباً به صورت همانند در این مناطق استفاده می‌شوند.

مردم این مناطق نیز همانند دیگر مردمان ایران، برای بخش‌های مختلف زندگی خود اشعاری سروده‌اند و در شرایط مناسب از آن‌ها بهره می‌برند. احساسات و عواطف خود را در قالب الفاظی ساده و صمیمی ریخته، بخشی از ضمیر ناخودآگاه خود را آشکار کرده‌اند. احساساتی که نماینده روح لطیف، صمیمی و دوست‌داشتنی آن‌هاست. تنها احساسات و عواطف مختلف نیستند که در بومی‌سروده‌های لری فعال‌اند؛ بسیاری از این سروده‌ها هنگامی سروده شده‌اند یا برای هنگامی سروده شده‌اند که این مردم در حال کار و تلاش روزانه خود هستند و جهت آسان‌نمودن کار برای خود و همراه

کردن دیگران در کار و یا هماهنگ کردن آن‌ها (و یا دیگر اهدافی که در جای خود در آن خصوص سخن خواهیم گفت)، سروده شده‌اند؛ بر همین اساس است که برای بومی سروده‌های لرستان می‌توان انواعی را برشمرد که زمینه استفاده و کاربرد آن‌ها با هم تفاوت دارد.

به طور کلی، در اشعار محلی و شفاهی مردم لرستان همچون دیگر بومی سروده‌ها، علاوه بر سادگی و صمیمیت، واقعیت و تخیل نیز حضوری پر رنگ دارد و با گره خوردن این دو با هم، سروده‌هایی خلق شده‌است که برای قرن‌ها ورد زبان مردم شده‌است. این نشان از جایگاه بلند این نوع از سروده‌ها در بین مردم بومی مناطق مختلف دارد و اگر این ویژگی‌ها و جایگاه بلند نبود شاید حضور این سروده‌ها به درازی عمر یک نسل بیشتر نبود و در بین نسل‌های بعد نشانی از آن باقی نمی‌ماند.

مردم لرستان از گذشته‌های دور، به شعر و سروده‌های آهنگین و ادبیات علاقه‌مند بوده‌اند و با استفاده از محیط زیبای زندگی خود، اشعاری سروده‌اند که از جهات مختلف، شایان توجه و تحسین هستند. از آنجا که بومی سروده‌های لرستان تقریباً در همه زمینه‌های زندگی این مردم حضوری فعال دارند، بررسی همه سروده‌های بومی مردم لرستان در فرصت محدود یک مقاله مقدور نیست؛ اما می‌کوشیم تا آنجا که ممکن است بخش‌های گسترده تری از این سروده‌ها را معرفی کنیم.

۱-۵. چهل سرو (چهل سرود)

یکی از انواع بومی سروده‌های مردم لرستان «چهل سرو» است. چهل سرو (چهل سرود)، مرکب از تک‌بیت‌ها و گاه دوبیتی‌هایی است که هر کدام موضوعی خاص را در بر می‌گیرند و در یک دسته‌بندی کلی، آن‌ها را به دو نوع خوب و بد (از جهت محتوا) تقسیم می‌کنند. این سروده‌ها همان گونه که از نامشان بر می‌آید، چهل سرود یا چهل بیت هستند که اغلب در شب‌های زمستان و هنگامی که مردم در شب‌نشینی‌ها دور هم جمع می‌شدند توسط افراد حاضر و به نوبت گفته می‌شدند. افراد حاضر در این شب‌نشینی‌ها شامل افراد خانواده، اقوام، نزدیکان و همسایگان هستند. این شب‌نشینی‌ها و خواندن این ابیات، موجب تقویت دوستی‌ها، روابط خانوادگی و دیگر روابط اجتماعی مردم می‌شده است. این اشعار در واقع نوعی تفأل است که به درخواست یکی از حاضران و به منظوری خاص گفته می‌شدند. افراد به صورت دایره در کنار هم می‌نشستند و چهل دانه تسبیح می‌شمردند و به یک نفر از حاضران می‌دادند، آن فرد به صورت پنهانی و دور از چشم دیگران با هر بیتی که حاضران می‌گفتند یکی از مهره‌های تسبیح را جدا می‌کرد و هنگامی که چهلمین مهره جدا می‌شد، با توجه به بیتی که برای آن مهره گفته شده بود، نتیجه کار را پیش بینی می‌کرد. در مورد این سروده‌ها ذکر چند نکته خالی از فایده نیست؛ نکته قابل توجه این که این سروده‌ها مانند دیگر انواع بومی سروده‌ها لغزش‌های وزنی دارند. هرچند نمی‌توان وزنی دقیق و روشن برای این اشعار معرفی کرد، اما «وزن ابیات را با گوش می‌توان فعلن فعلون فعلن فعلون به حساب آورد. هرچند در این وزن (هجایی) اگر حرفی یا حرفی در ارکان

اضافه بیاید اشکال ندارد. با توجه به مضمون ابیات ریتمی ملایم سنگین و گاه تند و خشن دارند» (ارشاد و همکاران ۱۳۹۸: ۱۵۲). همچنین این سروده‌ها به گویش لکی هستند و کمتر می‌توان سروده‌های از چهل سرود به گویش لری یافت؛ همچنین لازم است اشاره شود مضمون اغلب این سروده‌ها عشق و عاشقی و محبوب و روابط بین عاشق و معشوق، دشواری‌های عشق، عصیان و سرکشی‌های این دو است. نکته‌ای که ضروری است در این جا به آن اشاره شود این است که تعداد ابیات مربوط به چهل سرود بسیار بیشتر از چهل بیت است اما از این جهت آن را چهل سرود نامیده‌اند که در هر مجلس و در جهت تفأل برای کاری تنها چهل بیت آن‌ها به کار می‌آید. چند نمونه چهل سرود:

خداات و بین د دو گل ژ وهار اول اسب و زین دو م ژن و مال

xodāt va bin de do gol ʒa vehār // aval asb o zin doem ʒano mal.

برگردان: (چه خوش است که) خداوند دو گل از بهار را به تو ببخشد؛ یکی از این گل‌ها اسب همراه با زین است و دیگری زن همراه با دارایی و ثروت و خانه.

اگر میلکت فراموشم بو سفیدی کفن بالا پوشم بو

agar meilakat ferāmošem bo // sefīdi kafan bālā pošem bo.

برگردان: اگر عشق تو را فراموش کنم و میل و علاقه نسبت به تو را فراموش کنم امید است که لباسم پارچه سفید کفن باشد.

امروز چن روزه دویر زیارانم چوین زمین شور تشنه وارانم

emroz čan roza doir ʒa yaranem // čoein zemin šor tešne vārānem.

برگردان: مدتی است که از دوستان و یاران خود دور هستم و همانند زمین شوره زاری که تشنه باران است، تشنه دیدار یارانم هستم.

۲-۵. مور

مور یکی از پرکاربردترین اشعار محلی در لرستان است که هنوز هم کاربرد گسترده‌ای در سطح مناطق مختلف لرستان دارد. این اشعار که همراه با آوازی حزن‌انگیز و با نواهای منحصر به خود در مراسم عزاداری خوانده می‌شوند، دارای مضامینی در ستایش فرد درگذشته و ذکر افتخارات اوست که اغلب با اغراق‌های فراوان سروده می‌شوند؛ این اشعار در مراسم‌های عزاداری (اغلب زنانه) به وسیله یک یا دو و یا چند نفر از حاضران که هم تسلط بیشتری بر آن‌ها دارند و هم صدای حزن‌انگیزتری دارند خوانده می‌شوند و دیگران در بخش‌های پایانی با همان آهنگ او را همراهی می‌کنند و بدون آمادگی و تمرین،

به صورت گروهی با هماهنگی جالبی این اشعار را می‌خوانند. در این اشعار ضمن حضور فعال حزن و اندوه، زمینه‌های حماسی پر رنگی نیز وجود دارد. در حقیقت، این اشعار حکایت‌کننده همه غصه‌ها، اندوه‌ها، حرمان‌ها و آرزوهای دست نیافته این قوم است که در مراسم سوگواری برای عزیزان مجالی برای بروز می‌یابد.

هرچند مور، مخصوص مراسم عزاداری و نوعی مرثیه برای مردگان است، اما به دلیل احساس حزن‌انگیزی که به خواننده و شنونده آن دست می‌دهد، در بسیاری از موارد به هنگام تنهایی و دل‌تنگی نیز خوانده می‌شود. با آن که در همه مناطق لرستان نوعی از این مرثیه در سوگ مردگان خوانده می‌شود که مضامین تقریباً مشابهی دارند، اما مور اختصاصاً به مرثیه‌هایی گفته می‌شود که به گویش لکی سروده و خوانده می‌شوند.

مور از هجران و فراق انسان‌ها حکایت می‌کند و انسان با شنیدن و خواندن آن دچار غم و اندوهی همراه با سرکشی و طغیان می‌شود. تأثیرات تحریک آمیز این سرود باستانی و نوای موسیقایی آن تا آن‌جا بوده که برای جلوگیری از تحریک و طغیان جوانان، خواندن آن بارها از سوی والیان طوایف محلی ممنوع شده است. روشن است که این نوع شعر در گویش‌های لری نوا و آهنگی غم‌انگیز دارد و وزن آن هجایی است. با آن که کلیت و چهارچوب این اشعار از پیش تعیین شده و سروده شده‌اند، برخی بخش‌های آن به تناسب فرد در گذشته تغییر می‌کند. این تغییرات وابسته به موقعیت اجتماعی، شخصیت، جایگاه، مقام، توان مالی، شغل و بسیاری ویژگی‌های فردی هر کسی متفاوت است. در این بخش متن چند بیت مور را برای آشنایی ذکر می‌کنم.

یه چویت بیم وه بیل سوتی ورمالان هر وایی میو من مکی تالان

ya čoyet bim va bil soti varmālan // har vāei mayo men makei tālān .

برگردان: چرا چنین شده‌ام چون خاکستری جلوی خانه‌ها، هر بادی می‌وزد مرا غارت کرده و با خود می‌برد.

دو واریانه ورزینت رت بهارم بونگ زینت دِبون دل سی یِ برارم

do vāriana varzinet rata beharem // bong zenit de bon del si ye berārem .

برگردان: سیاه‌چادرها را جمع کنید، بهارم رفت از ته دل برای تنها برادرم ناله برآورید.

اسبی کو می‌لاونه چی نوودارو اسر چشم ز گریست چی او بارو

asbi ko meilāvena či noa dāro // aser čašem ra geret či āoe bāro .

برگردان: سفیدکوه چون عزاداران، ناله سرداده است. اشک چشمانم همچون سیلاب باران جاری شده است.

۳-۵. لالایی (لاوه لاهه)

لالایی‌ها نیز یکی از بخش‌های پرکاربرد از بومی سروده‌هایی است که از گذشته‌هایی دور در لرستان استفاده شده است. کارکرد لالایی‌ها در لرستان همانند دیگر مناطقی است که از این نوع سروده‌ها استفاده می‌کنند. از روزهای ابتدایی تولد کودک است که مادر در جهت تبیین عشق خود به فرزندش و همچنین لذت و خوشحالی از همراهی با وی می‌خواند؛ در آهنگ و احساس لالایی‌ها می‌توان به روشنی این عشق را دریافت. مضمون اغلب لالایی‌ها ضمن بیان عاطفهٔ مادری، تعریف و تمجید از کودک و آرزوی روزگار خوش برای اوست. بخش اعظمی از مضامین لالایی‌های لری، تأثیر گرفته از عوامل محیطی و همچنین آداب و عادات قوم لر است. قومی که ادامهٔ حیاتش در گرو جنگیدن با عوامل پیشماری است که باید هرکدام را به نوعی از سر راه برداشت؛ در بین این قوم کار و تلاش، جنگ و آزادمردی، شجاعت و دلاوری و بسیاری صفات پسندیده از اصلی‌ترین مفاهیمی هستند که زندگی بر مدار آن‌ها می‌چرخد؛ لذا مادر در لالایی‌هایی که برای فرزندش می‌خواند، او را در قالب قهرمانی می‌بیند که پشت مشکلات زندگی و دشمنان خود را بر خاک می‌مالد؛ به همین خاطر است که مضامین بسیاری از لالایی‌های لری آرزوهای شایسته‌ای است که مادر برای فرزند خود دارد. در کنار مضامین ذکر شده، در بسیاری از لالایی‌های لری عشق به ائمهٔ اطهار و بزرگان دین به خوبی متجلی است.

نمونهٔ چند لالایی:

شکر خدا، شکر علی چشم حسید پوقه بلی

šoker xodā šoker ali // čaša hasid poqe bali .

برگردان: خدا را شکر می‌کنم و (به خاطر تولد تو ای فرزند!) شکرگزار علی (ع) هستم. فرزندم چشم حسود بترکد همچنان که بلوط بر آتش می‌ترکد.

لالا لالات کنم خوییت نمایی بلنگت می‌کنم و یرت نمایی

lālā lālāt kenem xoet nemāei // belenget mekenem viret nemāei

لوه لوه کم ستین دلم روز و بالینم شو و بغلم

lova lova kam setine delem // roz ve bālinem šo ve baḡalem

چیمم چیمه را مال بوه ته گوشم دا و دنگ لوه لوه ته

čimem čimara mālē boata // gošem da va dang lova lovata

برگردان (سه بیت): لالایی برایت می‌خوانم، اما خوابت نمی‌آید؛ وقتی هم که بزرگ شدی، این لالایی را به یاد نمی‌آوری؛ لالایی فرزندم ای عزیز دلم؛ (ای فرزندی که روز روی دوشم هستی و شب در بغلم آرام می‌گیری؛ چشم به راه خانه پدرت هستم؛ و گوشم منتظر شنیدن صدای لالایی‌ات.

بـــــرا بـــــرا بـــــراکم مـــــال ار رانـــــت جیـــــاکم

berā berā berākam // māl arānet jia kām

ژن ار رانـــــت نکـــــاکم مـــــال ار رانـــــت کـــــراکم

3an arānet nekā kam // māl arānet kerā kam

برگردان (دو بیت): برادرم برادرم برادر کوچولویم؛ خانه‌ای برایت جدا می‌کنم؛ برایت همسری انتخاب کرده، به عقدت در می‌آورم؛ خانه‌ای برایت کرایه می‌کنم.

۴-۵. کارآواها یا کارسروده‌ها

در جوامع عشایری و روستایی، کار یعنی همه زندگی. همه دقیق عمر این مردم صرف تلاش و کارهای دشواری می‌شود که زندگی خود را بر پایه آن بنا می‌نهند. همه اعضای خانواده اعم از مرد و زن و بچه و بزرگسال و جوان و میانسال هرکدام بخشی از کارهای روزانه را برعهده می‌گیرند. این مردم هنگام کار و به دلایل مختلف، اشعاری را به تنهایی و یا به صورت دسته‌جمعی می‌خوانند و ضمن شاداب کردن محیط کار، به نوعی غلبه و برتری خود را بر کار بیان می‌کنند؛ به زبان دیگر با خواندن اشعار، روحیه خود را تقویت می‌کنند تا دشواری و فراوانی کار موجب آزار و شکست روحیه آن‌ها نشود. بنابراین، کارآواها یا کارسروده‌ها یا ترانه‌های کار، ترانه‌ها و نواهایی هستند که قشرهای مختلف مردم در هنگام کار و تلاش روزانه خود زمزمه می‌کنند و یا گاه با صدایی بلند می‌خوانند؛ آهنگ و ریتم این سروده‌ها اغلب متناسب با حرکاتی است که در هنگام کار انجام می‌شود. «کارآواها یا ترانه‌های کار، بخشی از داستان شفاهی زندگی مردم است که قدمتی به درازنای تاریخ دارد. این ترانه‌ها برای مشاغل و کارهای مختلف خوانده می‌شوند. آن‌ها بازتاب مسائل و دغدغه‌های اجتماعی و روانی انسان‌ها در زمینه اجتماعی خویش هستند. این ترانه‌ها در در چارچوب دانش عامیانه فولکلور قابل تعریف هستند. با به کارگیری فناوری و تسریع ارتباطات همه یا بخشی از ترانه‌های کار در معرض تغییر و دگرگونی اساسی است» (کمال‌الدینی و جاویدان خرد، ۱۳۹۴: ۳۰).

دلایل فراوانی برای سرودن و زمزمه کردن کارسروده‌ها وجود دارد؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- شکست خستگی و گرفتن نیروی جدید و تقویت روحیه.
- هماهنگی و افزایش دقت در انجام کار.

- بیان ارزش‌هایی که در آن کار وجود دارد.
 - بیان عقده‌های دل با گشودن سفره دل و ذکر برخی دغدغه‌های درونی در قالب این سروده‌ها.
 - شکرگزاری و تشکر از خداوند به خاطر بخشش محصولی که در حال جمع آوری آن هستند.
 - دل‌انگیز کردن محیط کار با بیان اشعاری موزون.
- مضامین، قالب و اهداف این اشعار با توجه به نوع کار و شیوه انجام آن متفاوت است. برخی از این کارسروده‌ها عبارتند از:
- اشعاری که در هنگام امور مرتبط با کشاورزی زمزمه می‌شوند.
 - اشعاری که هنگام انجام کارهای مربوط به دام ذکر می‌شوند.
- از آنجا که در گذشته شغل غالب مردم لرستان کشاورزی و دامداری بوده است، لذا اغلب کار آواهای این مردم نیز در این حوزه سروده شده است. در این‌جا نمونه‌هایی از کارآواهای مرتبط با دامداری و کشاورزی تبیین می‌شود.

۱-۴-۵. سروده‌های مربوط به امور دامداری (بیت مشگه)

بخش اعظمی از امور دامداری را زنان انجام می‌دهند؛ شیردوشی، مشک زنی و دیگر مسائل مربوط به این حوزه، از دشوارترین کارهای دامداران و بر عهده زنان است. زنانی که مشغول این کارها هستند اشعاری را زمزمه می‌کنند. یکی از این کارهای طاقت‌فرسا مشک‌زنی است. این کار که زمانی طولانی را در بر می‌گیرد با تکان دادن مشک و خواندن اشعاری هم‌نوا با ضرب‌آهنگ حاصل از جابه‌جا شدن محتویات مشک ادامه می‌یابد. مضامین این اشعار اغلب توصیف، تعریف و تمجید از مشک و دیگر متعلقات آن است. علاوه بر این، همواره دعا و نیایش و سپاس و ستایش خداوند به خاطر این نعمتی که به آن‌ها ارزانی داشته است، بخشی از مضامین این اشعار است. نکته دیگری که می‌توان آن را از بسامدهای مضمونی این نوع سروده‌ها دانست، نفرین به حسودی است که چشم دیدن مشکی پربار برای سراینده و خواننده اشعار را ندارد.

این عبارات آهنگین که یکی از کارسروده‌ها به شمار می‌رود، ضمن کمک به رفع خستگی و ایجاد انگیزه برای ادامه کار طولانی مشک‌زدن، بیانگر رابطه‌ای عاطفی بین زنان دامدار و مشکی است که بخش قابل توجهی از قوت روزانه خود را از آن به دست می‌آورند؛ از این رو گوینده با این سروده‌ها می‌کوشد به نوعی مشک را به دادن محصول بیشتر تحریض نماید. در این راه با بهره‌گیری از کلمات و عبارات اغراق‌آمیز و به زبان دیگر، ستایش مشک همچون انسانی که به خوبی کلمات را درک می‌کند، به اهداف مادی خود که همان گرفتن محصولی ارزشمند است وادار نماید. در این‌جا بخشی از یک بیت مشگه را ذکر می‌کنیم:

هه‌ها، ها، مشگه دالکّه، مشگه صد منت رغو چل منت کشکه

heiḥā heiḥā mašga dāleka mašga // sad manet reyo Čel manet kaška

برگردان: آی‌های، های، ای‌مشک، ای‌گرامی مهربان مادرم، ای‌مشک. بخش اعظم و بیشتر وجود تو روغن است و تنها بخش کمی از تو کشک است.

مشگه کم چشه هه مئی گرووه مهره مار مئی هاتا بفرئووه

mašgakam če ša hei migeriva // more mār mihā tā baferiva

برگردان: آن‌مشک عزیز و دوست داشتنی‌ام را چه شده که پیوسته گریه می‌کند و از چشمانش اشک می‌بارد؟ بهانه مهره مار را گرفته و مهره مار را می‌خواهد. (مهر و محبت می‌خواهد) تا با استفاده از آن آرام گیرد.

مشگه کم چشه هه مئی گرووه ماسه نو مئی هاتا بفرئووه

mašgakam če ša hei migeriva? // māse no mihā tā baferiva

برگردان: آن‌مهربان‌مشک عزیزم را چه شده که پیوسته و بدون توقف اشک می‌بارد؟ بهانه ماست نورسیده را گرفته است تا به آن آرام گیرد.

هه‌ها، ها، مشگه جونه کم، مشگه یه برت دوه یه برت کشکه

hei hā Mašgaka jonen mašgaka // ye baret doa ye baret kaška

برگردان: آی‌های، های، ای‌مشک، ای‌گرامی جان من، ای‌مشک، بخشی از تو (محتویات) دوغ و بخش دیگر کشک است.

چشه گنه مشگه، کم درا ده لونه کَرش، جم بکم بؤرم وه حنه

čaše gane mašgaka kam derā de lona // keraš jam bakem borem ve hona

برگردان: امید است چشمان حسود و بداندیش‌مشک من از کاسه چشمانش بیرون بیاید تا کره‌مشک را جمع کرده با خود به خانه ببرم.
هه‌ها، ها، مشگه دالکّه، مشگه...

heiḥā heiḥā mašga dāleka mašga... .

۲-۴-۵. سروده‌های برزگری

از دیرباز، شغل اکثر مردم لرستان کشاورزی و دامداری بوده است. به نوعی می‌توان گفت کشاورزی و دامپروری تقریباً همه زندگی مردم لرستان بوده است. ایشان در هنگام کارهای کشاورزی همچون شخم، کاشت، درو، خرمن‌کوبی و... اشعاری را زمزمه می‌کردند که می‌توان بر آن‌ها نام سروده‌های

برزگری نهاد. هدف غایی زمزمه این اشعار و ترانه‌ها نیز همان است که پیش‌تر ذکر شد. در این‌جا چند کارآوای برزگری به عنوان نمونه ذکر می‌شود.

در کشاورزی سنتی، یکی از کارهایی که همواره انجام می‌شده‌است، کوبیدن خوشه‌ها و ساق و برگ‌های غلات برای جدا کردن دانه از کاه بوده‌است. این کار که امروزه از آن با عنوان خرمن‌کوب یاد می‌شود را هولِه (hula) می‌نامند. در گذشته برای این کار چند حیوان اعم از گاو، الاغ، اسب را به هم می‌بستند و با گرداندن آن‌ها بر روی خرمن به صورت دایره‌ای خرمن را می‌کوفتند؛ برای این کار شخصی با خواندن اشعاری حیوانات را به حرکت وا می‌داشت. در این‌جا چند بیت از این اشعار ذکر می‌شود.

دوره هو هولِه هو زیلت نچو هولِه هو

dura hu hula hu // zilat naču hula hu

برگردان: بچرخید و بر سر خرمن راه بروید و خرمن را بکوبید و از این خرمن تترسید؛ چراکه به زودی آن را می‌کوبیم.

هه دوره هو هه دوره هو هولِه کتی بچره آووه

hei dwra he dwra hu // hula kati bečerua

برگردان: دور بزئید و دور بزئید، خرمن را بکوبید و پس از آن بروید آب بخورید.

هه دوره هه دوره هه دوره دوره دوره

hei dwra hei dwra // hei dwra dwra dwra

برگردان: وقت آن است که بچرخید و بچرخید، هی بچرخید و بچرخید و بچرخید.

هه دوره هه دوره بی‌نم دونش چطوره؟

hei dwra hei dwra // binem doneš četwra?

برگردان: اکنون زمان چرخیدن است بچرخید تا من نگاهی بیندازم ببینم دانه محصول ما چه طور است؟

هه دوره هه دوره هیردش کو که زوره

hei dwra hei dwra // hirdeš ko ke zora

برگردان: بچرخید و بچرخید، بیشتر آن را خُرد کنید که هنوز درشت است و کاملاً کوبیده نشده است.

جون منی کره کال هیردش کو رو و مال

jone meni kera kāl // hirdeš ko ro ve māl

برگردان: ای گاو سرسفید، تو جان منی، خرمن را بکوب تا به خانه بروی.

۵-۵. سروده‌هایی برای عروسی (دایم بوی)

یکی از جشن‌هایی که بهانه‌ای فراهم می‌آورد تا مردم تلاشگر و زحمت‌کش لرستان اندکی از کار دست بکشند مراسم‌های مرتبط با ازدواج بوده است. در این مراسم‌ها از روزهای آغازین تا پایان عروسی به تناسب شرایط و موقعیت، اشعاری خوانده می‌شود که دارای مضامین عاشقانه همراه با امید و توکل به خداوند برای آغاز یک زندگی شایسته است. این اشعار اغلب به صورت گروهی و همچون گروه‌های گر خوانده می‌شوند؛ استفاده‌های مداوم از این اشعار در عروسی‌ها موجب هماهنگی جالبی بین افرادی شده است که با صدایی خوش و آهنگی مهیج این سروده‌ها را همراه با کف زدن‌های پیوسته می‌خوانند. جالب است اشاره شود این افراد پیش از خواندن این سروده‌ها، هیچ تمرین و همراهی با هم نداشته، تنها با حفظ کردن اشعار و پیروی از آهنگی که از پیش در ذهن خود دارند، می‌توانند یکی از خوانندگان این اشعار باشند. تقریباً همه زنان و دختران، یکی از اعضای گروه هستند که اشعار را می‌خوانند. در این جا بخشی از یک شعر بومی که در مراسم عروسی خوانده می‌شود را ذکر می‌کنیم.

سیت بیارم، سیت بیارم، چارکی گوشت بره بونیتو و شونه دوما تفنگ پس نقره

sit biārem sit biārem čaraki gošte bera // bonito ve šone domā tofange pas noyera

برگردان: برایت یک چارک گوشت بره بیاورم و تفنگ دسته نقره را به دوش داماد بیندازید.

سیت بیارم سیت بیارم، باری گل باری حنا حنایا سی دس و پاته، گلیا سی سرجات

sit biārem sit biārem bāri gol bāri hanā // hanāya si daso pāta goliā si sare jat

برگردان: برایت یک بار گل و یک بار حنا بیاورم. حنا برای دست و پایت و گل برای روی رخت خوابت.

ای انارون نشکنی تو، مرایما انار حریم اسپیان زین کنیتو، ایما نیش عروس بریم

ei anārone našgenito mar imā anār harim // asbiāne zin kenito imāniš aros barim

برگردان: این انارها را نشکنید و مشغول انار خوردن نشوید؛ چراکه ما برای خوردن انار نیامده‌ایم، اسب‌ها را زین کنید که برای بردن عروس آمده‌ایم.

ای برارو، ای خوورو، سرم قربونه تون ای قدر خدا نکوشم، سی حنا ونونه تون

ei berāro ei xoaro sare me qorboneto // eiqadar xoda nakošam si henāvanoneto

برگردان: ای برادران و ای خواهران، سرم فدای شما شود. آرزو دارم ان قدر زنده باشم که در حنابندان شما هم شرکت کنم.

چی کنیم؟ چی نکنیمو؟ دس خوورمون‌ها برن دور خیمه ش گل بکاریم جای دیری نبرن

či kenim či nakenim das xoarmo hā beran // dore xemaš gol bakarim jaie diri naberan.

برگردان: چه کار کنیم و چه کار نکنیم که دوستان (عروس) را دارند می‌برند؟ دورخیمه‌اش را گل بکارید تا او را جای دوری نبرند.

عروس نگرियो عروس نگرियो ایچه ده اوچه بیتره ای هوسیره که تو داری، د شکر شیرین تره

aros ngriv aros ngriv ieče de oče bitera // ei hosira ke to dāri de šekar širintera

برگردان: ای عروس، گریه نکن که خانه‌ای که خواهی رفت از خانه خودتان بهتر است و مادر شوهرت برای تو شیرین‌تر از شکر است.

شادوما تفنگ و شونش سوار بیه سی شکار عروسش د مین پرده منه و چشم انتظار

šā domā tofang ve šoneš sevar bi a si šekār // aroseš de min parda mana ve čaš entezar .

برگردان: شاداماد تفنگ به دوش برای شکار سوار شده، عروسش در میان حجله چشم انتظار مانده است.

سیت بیارم سیت بیارم گوشت آهو یا شکار شادوما قطار بسته میره و شیش مخار

sit biārem sit biārem gošte ahoy a šekar // šadomā qatār basta mira ve šiše mayār.

برگردان: برایت گوشت آهو بیاورم یا شکار گوزن؟ شاداماد قطار را به تیغ بلند کوه بسته و غارها رفته است.

سیت بیارم سیت بیارم یه هزاری گرده کو تو بفارما مه بیارم زن خود لرسو

Sit biārem sit biārem ye hezari gerdeko // to befarmā me biarem zane xo de loreso.

برگردان: برایت بیاورم، برایت بیاورم هزار تا گردو، تو دستور بده تا من زن خوب از لرستان بیاورم.

دا دوما خوور دوما کم بگردید ویی حونیا او بیار جارو بکیتو عروستو و ناز میا

dā domā xoare domā bagardit ve ei honiā // ov biār jaro bakito arosto ve nāz miā .

برگردان: مادر داماد و خواهر داماد، کم در این خانه‌ها بگردید. آب بیاورید، جارو کنید که عروستان با ناز می‌آید.

چیت جاش واکنیتو که عروس داره میا سر جاشه گل بریزید شادوما د در اوما

čite jaše vākenito ke aros dāra miā // sare jaše gol barizid šadomāde dar deromā

برگردان: حجله‌اش را باز کنید که عروس دارد می‌آید. سر جایش گل بریزید که شاداماد از در آمد.

هر چی حواستیم خدا دش وه ایما تا تراکه خوم بهتره د غریو بی وفا

harči hastem xoda daš ve eimā // tātezaka xom bitera de ɣarive bivafā

برگردان: هرچه خواستیم پروردگار به ما ارزانی داشت. عموزاده خودم بهتر از غریبه‌های بی‌وفاست.

۵-۶. عاشقانه‌ها

عشق واقعی است که از دورترین ایام در زندگی همه اقوام حضور داشته است. در بین مردم لرستان نیز اشعار عاشقانه فراوانی وجود دارد. کاربرد و کارکرد این اشعار در بین مردم لرستان چندان تفاوتی با دیگر اقوام ندارد؛ این اشعار را عشاق برای معشوقان می‌خوانده‌اند گرچه این اشعار همدم تنهایی‌های غالب مردم است. جوانانی که در اوج روزهای عشق و عاشقی خود هستند و پیران و میانسال‌هایی که در غم از میان رفتن آن روزگار و به قصد مرور خاطرات، اشعار را زمزمه می‌کنند.

قالب این اشعار، متنوع و متفاوت است و تقریباً در اکثر قالب‌های معمول و متداول می‌توان اشعار عاشقانه‌ای یافت. مضمون این اشعار نیز بیان زیبایی‌های معشوق، گله از پیمان شکنی و عدم توجه به عاشق، توصیف حالات معشوق، پایبندی به عهد و پیمان و همچنین دعا برای دور بودن معشوق از بلا و خطراتی است که ممکن است وجود او را آزار دهد. یک شعر عاشقانه لری در قالب مثنوی:

بـزـران بـزـران بـزـرانمـه مال دوس بار کرد پا برانمه

bezeran bezeran bezeranma // māle dus bār kerd pā beranema

برگردان: من که کوس رسوائی‌ام زده شده است و همه از عشقم به تو آگاهند، بگذار از عشق تو نیز آگاه شوند؛ خانه دوست بار کرد و پای من از رفتن به منزل او بریده شد.

دته جون برات گوش به و دنگم بیچاره تونم زریایه زنگم

dete June berāt guš bei va dangem // bičāra tonem zeryaya zangem

برگردان: دختر، جان برادرت به بانگ صدایم گوش کن، بیچاره تو هستم، کوس رسوائی عشقم زده شده است.

دمکت بار بنه دم دمانت کم سرمه عطاری پر چمیلت کم

damakat bār bene damemdam damānet kam // sorme atari per čamanet kam

برگردان: دهانت را بر دهان من بگذار تا لبانت را ببوسم و چشمانت را پر از سرمه عطاری کنم.

اگر میلکت فراموشم بو سفیدی کفن بالاپوشم بو

agar milakat ferāmošem bu // sefidi kafan bālapušem bu

برگردان: اگر میل و عشق به تو را فراموش کنم، الهی که تن پوش من کفن سفید باد.

بزران بزران بزرانمه یه دما دوسه گرگرانمه

bezerān bezerān bezerānema // ya demā dus ger gerānema

برگردان: زنگ را به صدا در بیاور، زنگ من به صدا در آمده است. بعد از رفتن دوست، آتشی در درون من زبانه می‌کشد و همه وجودم در غم دوری از معشوق آتش گرفته است.

ایواره دیمت و طرازه مای ذهنم کور نکه شیوه نازه مای

ivāra dimet va terāza māi // zehnem kurnaka šive nāza māi

برگردان: غروب دیدمت، راست و با ابهت می‌آمدی. ذهنم را کور مکن، تو به شیوه‌ای نازنین می‌آمدی.

بزران بزران یکه تیره مهیه قاصد که دوس دیرنمه

bezerān bezerān yaka tira mahya // qāse de dus dirinema

برگردان: زنگ را به صدا در بیاور، آن تنها تیر و نشان من است. او قاصد دوست دیرین من است.

ایواره دیمت بر و مال نکمی یه آبادی چول و کور جهال نکمی

ivāra dimet ber va māl nakei // ye ābādi čul va koer jehāl nakei

برگردان: غروب دیدمت، به منزل نخواهی رسید. یک آبادی را از پسران جوان خالی مکن.

بزران بزران تو عزیزم میوه رنگ وارنگ سر پائیزم

bezerān Bezerān to azizakam // mive rang vā rang sar pāeizakam

برگردان: زنگ را به صدا در بیاور، ای تو عزیزترین من، ای میوه رنگارنگ من در آغاز پائیز.

بزران بزران زنگت زریایه ارا دوستکت آرت بریایه

bezerān Bezerān zanget zeryaya // arā dusakat āzet beryaya

برگردان: کوس رسوایی مرا به صدا درآور؛ چراکه برای دیدن دوستم نیرویی در وجودم نمانده است و طاقتم طاق شده است.

۶. نتیجه‌گیری

ادبیات شفاهی مردم لرستان پیشینه‌ای به درازای تاریخ حیات این مردم دارد. وابستگی این مردم به شعر و موسیقی موجب شده است تا شعر، کارکردهای گسترده و انکارناپذیری در جامعه محلی مردم لرستان داشته باشد. بررسی سروده‌های محلی لرستان نشان‌دهنده این واقعیت است که این سروده‌ها زوایای مختلف زندگی مردم را در بر می‌گیرند. این مردم در جهت آسان‌نمودن بسیاری از دشواری‌های زندگی، برای خود اشعاری سروده‌اند که هرکدام در جایگاه خاص خود، حضوری پررنگ در زندگی آنان دارند. همچنین بررسی این بومی سروده‌ها می‌تواند در شناخت آداب، عادات و فرهنگ و رسوم این مردم، کمک شایانی بکند؛ چراکه سرایندهگان این اشعار که از توده مردم بوده‌اند، پسندها و ناپسندهای آن‌ها را به گونه‌ای هنرمندانه در این اشعار گنجانده‌اند. با بررسی سروده‌های بومی مردم لرستان، این نتیجه حاصل شد که مضمون غالب این سروده‌ها، صرف نظر از نوع و کارکرد خاص آن‌ها، شجاعت و دلاوری و جان‌فشانی در برابر دشمن، دست و دل‌بازی و مهمان‌نوازی، دینداری و پیروی از بزرگان دین، نیک‌روزی و نیک‌سرانجامی و بهره‌مندی بیشتر از مواهب طبیعی و عشق به زن و فرزند و خویش و پیوند و نفرین بر حسود و ستایش خداوند است؛ از آنجا که این سروده‌ها در بین توده مردم رواج داشته و مربوط به گروه و طبقه خاصی نیست، می‌توان گفت که سادگی و بی‌پیراگی و خیال‌انگیزی این سروده‌ها، نشان از سادگی و صمیمیت این مردم دارد.

منابع

کتاب‌ها

- اسدیان خرم‌آبادی، محمد (۱۳۵۸)، باورها و دانسته‌ها در لرستان و ایلام، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز مردم‌شناسی ایران.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۷۶)، تاریخ جغرافیایی و اجتماعی لرستان، تهران: انتشارات انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- جمال‌زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۴۱)، فرهنگ لغات عامیانه، تهران: فرهنگ ایران زمین.
- حاجی زاده میمندی، مسعود (۱۳۸۴)، الگوی پژوهش در فرهنگ عامه، یزد: علم نوین.
- رضایی دیورودی، محسن (۱۳۹۱)، فرهنگ عامه (مهندسی فرهنگی فرهنگ عامه در ایران)، چابکسر: نوین پویا.

- شمیرانی، کیوان (۱۳۶۸)، راهنما: برای کند و کاو در فرهنگ مردم و حفظ و اشاعه آن، تهران: انتشارات صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران.
- عسگری عالم، علیمردان (۱۳۸۸) ادبیات شفاهی قوم لر، تهران: انتشارات آرون.
- عسگری عالم، علیمردان (۱۳۸۸)، ضرب المثل‌ها و تکبیت‌های سور و سوگ زبان لکی، خرم آباد: شاپورخواست.
- گوهری پور، مرتضی (۱۳۹۳)، فرهنگ عمومی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- موسوی، سید سیامک (۱۳۸۰)، سوگ سرایی و سوگ خوانی در لرستان، خرم آباد: انتشارات افلاک.
- همایونی، صادق (۱۳۷۹)، ترانه‌های محلی فارس، شیراز: بنیاد فارس شناسی.
- یوسفی، مسعود (۱۳۸۷)، مویه‌های سرزمین من، خرم آباد: انتشارات شاپورخواست.
- یوسفی، جعفر (۱۳۸۹)، اقوام ایرانی (قوم لر)، تهران: انتشارات امیرکبیر.

مجلات

- ارشد، معصومه و همکاران (۱۳۹۸)، «تحلیل زیبایی شناختی چهل سرو»، دو ماهنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۷، ش ۲۵، صص ۱۲۷-۱۵۵.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۸۰)، «درباره ادبیات بومی»، مجله ادبیات داستانی، ش ۵۶، شهریور و مهر ۱۳۸۰، صص ۱۴-۲۷.
- ذوالفقاری، حسن و لیلا احمدی (۱۳۸۸)، «گونه شناسی بومی سروده‌های ایران»، فصلنامه ادب پژوهی، ش ۷ و ۸.
- فرهادی، مرتضی (۱۳۷۹)، «ترانه‌های کار، کارآواهای از یادرفته کارورزان و استادکاران»، فصلنامه علوم اجتماعی، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۱۱۱-۱۱۴.
- کمال الدینی، سیدمحمدباقر، جاویدان خرد، محمد (۱۳۹۴)، «اشعار کار در کهگیلویه و بویراحمد»، دو فصلنامه فرهنگ و ادبیات عامه، سال ۳، ش ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۴، صص ۲۹-۴۹.
- همایونی، صادق (۱۳۷۶)، «بومی سرود، آینه زندگی»، مجله شعر، پاییز، ش ۲۱، صص ۴۰-۴۳.

A look at native poems of Lorestan

Arash Amraee^{1*}
Ali Bazoovand²

Abstract

Native literature is a worthy treasure inherited from our ancestors. This kind of literature in its special sense refers to a literature that has been created in a particular region. The native literature of Lorestan is one of the precious parts of Iranian folk's native literature. In this paper, we will investigate a part of the popular culture of people of Lorestan, the native poems and their place in the community of Lorestan, while introducing their history. We will also introduce the Chell Sero (forty songs), Mur, Laue Laue (Lullaby), work songs, couplets Mashga, Dayam Buye and romances as the most important types of native poems of Lorestan. Poetry and music are inseparable parts of the Lorestan people, and if we say that they are the cause of popular culture, we have not exaggerated. These people have some poems and music for all aspects of their life from birth to death, which have various functions in different situations.

Keywords: Lorestan, Native poems, chehel Soro, Lave Lave

¹. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Khoramshahr University of Marine Sciences and Technology, Khoramshahr, Iran. (corresponding author)*
E-mail :amiri879@gmail.com

². Assistant Professor of Persian Language and Literature, Farhanghiyan University, Iran. E-mail :bazvanda@yahoo.com.